

# جاي براي جوانها نيست

1 آذر 1403

جشنواره فيلم فجر فقط مهم‌ترين جشنواره سينمايي ايران نيست، تنها ترين آن هم هست. با آنکه در سالهاي اخير ريزش مخاطب داشته و ديگر از صفهاي طويل دهه‌هاي هفتاد و هشتاد جلوي سينماهاي نمايش‌دهنده فيلم‌هايش خبري نيست، اما نمي‌توان تاثيرش را بر روند فيلمسازي کشور و اقتصاد سينما انکار کرد.

شايد به همين دليل افراد شوراي سياستگذاريش مي‌توانند نقش مهمي در بهبود يا تخريب سينمايي ايران داشته باشند. اعلام دير هنگام شوراي سياستگذاري چهل و سومين جشنواره فيلم فجر يك بار ديگر نشان مي‌دهد که انگار قرار نيست جوانها، فيلمسازان مستقل و چهره‌هاي جديد و... نفس تازه‌اي به اين جشنواره بدمند. البته در اينکه معاونت سينمايي به دليل کوتاهي عمر فعاليتش و فرصت کوتاه باقيمانده در جشنواره چندان دست بازي هم نداشته، شكي نيست. اين نگاه و نظر هم قرار نيست پيشنهادي براي جشنواره پيش رو باشد. اما قاعدتا هر برنامه فرهنگي، اقتصادي، اجتماعي و سياسي نيازمند برنامه درازمدت براي آينده است.

به احتمال زياد چهل و سومين جشنواره فيلم فجر آخرين دوره اين جشنواره خواهد بود. (اينکه به‌طور قطعي نمي‌گويم به خاطر همه اتفاقات خوب و بد است که ممکن است براي جشنواره و کشور و دنيا رخ بدهد) اما قطعاً اگر دنيا به پايان نرسد و هنر هفتم به‌طور کل تعطيل نشود و... فيلمسازان جوان و مستقل ايران همچنان فيلم خواهند ساخت. تعدادشان هم خوشبختانه روز به روز بيشتري مي‌شود. با اين حساب سهمي که در سينمايي ايران پيدا خواهند کرد، بيشتري خواهد شد.

گمان نمي‌کنم در ترکيب شوراي سياستگذاري جشنواره پيش رو کسي صدای اين جوانان و فيلمسازان باشد. صدایي که اگر شنیده شود، مي‌تواند باعث تحريك بيشتري در اين جشنواره شود. جشنواره‌اي که اگر چه عمرش از کوچک‌ترين عضو شوراي سياستگذاري (عليرضا تابش پنجاه‌ساله) کمتر است ولي نيازمند دميدن خون تازه در رگ‌هايي دارد که وصل به شريان سينمايي کشور است. واضح‌تر بگويم اين نفرات که خوشبختانه در ريف خوبان فرهنگ و هنر ايران هستند (با درجات بالا و پايين) اما نگاه و نگرش نسبتاً يکساني دارند. سالهاي زيادي براي جشنواره فيلم فجر، فارابي، خانه سينما و... برنامه ريخته‌اند و... چه مي‌شد اگر کنارشان افرادي قرار مي‌گرفتند که نگاه متفاوتي به برنامه‌ريزي براي سينما و جشنواره داشته باشند. چه مي‌شد اگر سابقه مديريت نداشتند و فقط فيلمساز، منتقد، کارشناس و... بودند. چه مي‌شد اگر به جاي شصت‌سالگي، دهه شصتي يا حتي جوان‌تر بود؟

قصد پس زدن تجربه‌دارها و موسفيدان و تجربه کسب‌کرده‌ها نيست. نيت ميدان دادن به ایده‌هايي است که جوانان خوشفکري در ذهن دارند که نرمي صندلي مديريت‌هاي دولتي کرخت، تنبل و ملاحظه‌دارشان نکرده است.

بهتر است خان‌دایيها (منظور افراد مصلحت‌اندیش شبیه شخصيت خان‌دایي فيلم قيصر است) را از

سياستگذاري جشنواره فيلم فجر و سينما و تئاتر و هنر و فرهنگ و... کنار نگذاريم، اما صندلي هايي را هم به جوانان پرشور و شور و اهل عملي شبیه قيصر (شخصيت فيلمي به همين نام از مسعود کيميايي) بدهيم. شايد در آن صورت موقعيت سينمايي تجربي، فيلمسازان مستقل، سازندگان فيلم کوتاه و فيلم هاي زيرزميني و... بهتر شود.

\*حسن لطفی - منتقد و مدرس سينما